



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکلهای مختلف دانشجویی - 25 مهر / 1385

بسم الله الرحمن الرحيم

خصوصیت این جلسه ی دانشجویی که در ماه رمضان داریم، اولاً در پاکی و طراوت و طهارت فضای این جلسه است ؛ يك عده جوان، با دل‌های پاك و در فضای قدسی ماه مبارك رمضان اینجا گرد می آید و مطالبی را - که من خصوصیات آن مطالب را بعد اشاره خواهم کرد - مطرح میکنید که حرفهای از دل برآمده و نآلوده ی به اهداف شخصی و سیاسی و امثال اینهاست. به نظر من، امسال که قدری این جلسه بیشتر به طرف آخر ماه هم افتاد، بیست و سه روز روزه گرفتید و ان شاءالله روزه داری و گذراندن ایام لیالی متبرک «قدر» و تلاوت قرآن، دلها و روحهای شما را نورانیت بخشیده و این نورانیت در این جلسه منعکس میشود.

خصوصیت دوم، طراوت دانشجویی و جوانی است که در این جلسه هست و برای امثال من، غیر از استفاده ای که احیاناً از مطالب مطرح شده ی در این جلسه خواهیم برد، این استفاده را دارد که از لحاظ روحی، طراوت همنشین به همنشین فرسوده ی کهنسالی مثل ما هم سرایت میکند و ان شاءالله به نیروی شما، ما نیرو میگیریم. لذا جلسه را مغتنم میشمارم و از دوستانی که در این جلسه بیاناتی کردید و دوستانی که جلسه را مدیریت کردند و کسانی که قبلاً مقدمات این جلسه را فراهم و آماده کردند، من از همه شان صمیمانه تشکر می کنم.

مطالبی که در این جلسه بیان شد و معمولاً در این جلسات جوان و دانشجویی بیان میشود، چند خصوصیت دارد که ما با همین خصوصیاتش، این جلسه و بیانات را دوست میداریم و می پسندیم. یکی این است که در اظهارات و تراوشهای ذهنی شما، عناصر نو وجود دارد و طراوت نوپردازی فکری در اظهارات مجموعه ی جوانهایی که در این جلسه صحبت میکنند، هست و این مغتنم است. این نکته و بقیه ی آن دو، سه نکته ی بعدی را که عرض میکنم، فقط برای این نیست که يك توصیفی از جلسه کرده باشیم ؛ بلکه برای این است که توجه کنید این خصوصیات جزو مشخصه های بارز و جذاب محیط دانشجویی است و اینها باید حفظ بشود. پس اولین مشخصه، همین نگاه نو به مسائل و احیاناً تراوشهای فکری جدید و تازه ای است که هست و این را ما دوست میداریم و لازم داریم.

خصوصیت دوم، نگاه و توقعات آرمانی است. این را به شما عرض بکنم، بعضی از این چیزهایی که شما مطرح کردید، اگر در چرخ و پر تحلیل و بررسی قرار بگیرد، چیزی از آن باقی نمی ماند ؛ لیکن چون نگاه و توقع، نگاه آرمانی است، این مطلوب است. ممکن است دسترسی به يك آرمان میسر هم نباشد، اما رها کردن آن آرمان هم، جایز نباشد. لذا نگاه آرمانی شما و توقعاتی که ناشی از این نگاه هست، این برای ما مطلوب است ؛ این را میخواستیم و باید باشد.

خصوصیت سوم، زبان انتقادی و طلبگارانه است ؛ نبادا کسی تصور کند که اگر این زبان انتقادی حتی يك کمی تلخ هم باشد، حالا بنده که اینجا نشسته ام، ناراحت خواهم شد، نه ؛ اتفاقاً خود این زبان انتقادی هم برخاسته ی از همان نگاه و توقعات آرمانی است ؛ راضی نبودن به آنچه که داریم، معنایش میل و گرایش رسیدن به آن چیزی است که نداریم و این درست همان چیزی است که ما میخواستیم.

بنابراین هم «فکر نو»، هم «نگاه و توقعات آرمانی» و هم «زبان ویژه ی برخاسته ی از آن نگاه» را داشته باشید ؛ اینها چیزهای خوبی است. و اگر این خصوصیات محفوظ بماند، آن وقت جوان دانشجو نقش موتور را در يك قطار ایفا خواهد کرد ؛ به حرکت درآورنده، پیش برنده و جهت دهنده خواهد بود. و الا اگر جوانها هم به وضع موجود - یعنی آنچه که هست - قانع و راضی باشند، دیگر پیشرفتی متصور نخواهد بود ؛ باید دائم بخواهند به نقاطی که دست



نیافته اند، دست پیدا کنند.

دو، سه تا نکته در خلال اظهارات شماها بود که لازم است من اینها را عرض بکنم؛ یعنی واقعاً لازمه‌ی دفاع از انصاف هست که این را بگوییم. این که گفته شود در مبارزه‌ی با فساد یا اجرای اصل چهل و چهار هیچ کاری انجام نگرفته، نه؛ این طوری نیست. کارهای زیادی انجام گرفته و دارد انجام میگیرد. من به آنچه که انجام گرفته، قانع نیستم، از مسئولان بالای کشور مرتب سؤال میکنم و از آنها میخواهم و مطالبه میکنم. لیکن این به معنای آن نیست که آنها در این جهت حرکت نمیکنند، نه؛ واقعاً کار دارد انجام میگیرد و پیشرفتهای خوبی هم داشته اند؛ بخصوص در این یک سال اخیر، واقعاً کارهای خوبی انجام گرفته است. البته شما بخواهید؛ شما نگوئید کاری انجام نگرفته، اما جداً بخواهید و مطالبه کنید؛ این، آن چیزی است که ما مایلیم.

یک نکته‌ی دیگری که من در خلال اظهارات شما دوستان دیدم، این است که گویا این گونه تصور میشود که عقبه‌ی کارشناسی دولت نهم، عقبه‌ی ضعیفی است یا اصلاً چنین عقبه‌ای وجود ندارد! من که هر روز حدود شاید شانزده، هفده تا روزنامه را با گرایشهای مختلف از جریانهای مختلف کشور مرور میکنم و می بینم، این، عیناً یکی از همان نقاطی است که جریانهای مخالف با این دولت مورد تأکیدشان است. ما تصور میکردیم که این گونه اظهارات و شایعه پراکنیها خیلی تأثیر ندارد، اما حالا می بینیم نه، بی تأثیر هم نبوده است! یعنی شما که دانشجو و جزو قشر زبده و نخبه هستید، واقعاً تصور میکنید که دولت، عقبه‌ی کارشناسی ندارد! نمیشود چنین قضاوتی بکنید، این طور نیست. یا مثلاً در اظهارات شما بود که: تغییراتی که در دولت انجام میگیرد، تا آن اعماق بدنه‌ی اجرایی، تغییر ایجاد میشود! این گونه نیست. خوب، دولت‌های متعدد و پی در پی‌ای با من سروکار داشته اند و من با آنها کار کرده ام؛ نوع کارشان، نوع تحرکشان، نوع اقدام‌هایشان و تعویض‌هایشان را دیده ام؛ این ایرادی که تقریباً یکی از سرلوحه‌های مخالفان - حالا مخالفان مذاقی، سیاسی و هر چه هست - با این دولت هست و مطرح میکنند، من به هیچ وجه تأیید نمیکنم؛ این طوری نیست. البته تغییر و تبدیلهایی در همه‌ی دولت‌ها شده است؛ در بعضی دولت‌ها بیشتر و در بعضی کمتر. و این دولت نهم، جزو آن بیشترها نیست. از این تغییرات وسیعتر و عمیق‌تر فراوان داشتیم. این شایعات روزنامه‌ای و اینها را خیلی ترتیب اثر ندهید.

حالا اینجا یک نکته‌ی اساسی مطرح میشود که من همیشه در مواجهه‌ی با دانشجویان، روی آن تکیه میکنم؛ و آن، «پیدا کردن قدرت تحلیل مسائل و جریانهای مهم کشور» است. سیاست در دانشگاهها - که بنده همیشه روی آن تأکید کرده ام - به این معناست. ما دو کار سیاسی داریم: سیاست زدگی و سیاست بازی؛ این یک جور کار است. این را من به هیچ وجه تأیید نمیکنم؛ نه در دانشگاه و نه در بیرون دانشگاه؛ بخصوص در دانشگاه. یکی هم سیاستگری است؛ یعنی حقیقتاً فهم و قدرت تحلیل سیاسی پیدا کردن؛ که یکی از وظایف تشکلهای دانشجویی این است. من تأکید میکنم، تشکلهای دانشجویی - که عمده نمایندگان آنها، در اینجا تشریف دارید - نوع برنامه ریزی و کار را به کیفیتی قرار دهید که دانشجو قدرت تحلیل سیاسی پیدا کند؛ هر حرفی را به آسانی نپذیرد و هر احتمالی را به آسانی در ذهن خودش راه ندهد یا رد نکند؛ این قدرت تحلیل سیاسی، خیلی مهم است. ما غالباً چوب این را خورده ایم؛ نه ما، بلکه ملت‌های دیگر هم بر اثر خطاها و خبطهایی در فهم سیاسی شان، گاهی مشکلات بزرگی را از سر گذرانده اند. این، یک مسئله‌ی مهم است.

یک نکته‌ی دیگر هم وجود دارد و آن «عمق بخشیدن به معرفت دینی» در بین دانشجویان است. بر روی این هم من اصرار دارم و بارها هم این گفته شده؛ منتها بدنه‌ی دانشجویی، بدنه‌ی متبدلی است و به شما هم باید عرض بکنیم. کافی نیست که ما از لحاظ عاطفی و احساسی، به دین و مظاهر دینی علاقه‌ای داشته باشیم یا علاقه‌ای نشان بدهیم. یک وقت هم که وقت استفاده‌ی از تعلیم و معرفت دینی است، بمانیم و نتوانیم وظیفه‌مان را تشخیص بدهیم یا از آن ایمان، پشتوانه‌ای برای عمل پیدا کنیم؛ این کافی نیست. باید کار معرفتی عمیق انجام



بگیرد.

ببینید جوانان عزیز! آنچه که امروز اتفاق افتاده است، این نیست که یک دولتی در کشوری با مواضع خاصی بر سر کار آمده، مثل اینکه هر دولتی یا هر کشوری یک مواضع خاص سیاسی دارد؛ مسئله‌ی ما و مسئله‌ی جمهوری اسلامی این نیست، مسئله‌ی یک پدیده‌ی عظیم و بتدریج توسعه‌یابنده و ریشه‌دواننده‌ی در یک بخش مهمی از دنیاست؛ تشکیل یک نظامی که معنویت، جزو بافت اصلی آن محسوب میشود. این یک پدیده‌ی بسیار مهم و مورد نیاز بشریت هم هست، که مورد استقبال قرار گرفته است و بیشتر هم خواهد شد. نظامی که بر اساس تفکر و معرفت اسلامی بر سر کار بیاید، نظامی است که مسائل معنوی انسان، جزو عناصر اصلی آن خواهد بود. خصوصیت این نظام، این نیست که به مسائل مادی توجه نخواهد کرد و هدفش را فقط معنویات قرار خواهد داد، نه؛ این یک مغالطه و نشانه‌ی غلط دادن است؛ که در تبلیغات جهانی علیه ما، این نشانه داده میشود. به هیچ وجه این گونه نیست؛ بلکه معنای تشکیل چنین نظامی، این است که عنصر گمشده‌ی از میان بشر، یعنی عنصر «معنویت» - که تحت تأثیر پنجه‌ی قدرتمند قدرتمندان عالم است - به زندگی بشریت برمیگردد. همچنانی که انسان به نان و هوا و غذا و صنعت و علم و پیشرفت و لذا زندگی نیازمند است، به ایمان و تقوا و پاکی و پاکدامنی و طهارت دل و نورانیت دل و مجذوب معارف الهی شدن هم نیازمند است؛ به اخلاق حسنه و مکارم اخلاقی هم نیازمند است. این بخش دوم را پنجه‌ی مؤثر قدرتمندان مادی دنیا، بتدریج از میان بشریت دور کردند؛ صد سال پیش مثل امروز نبوده؛ دویست سال پیش باز بهتر بوده است. این خاصیت یک نظام ویژه در وضع کنونی جهان است. این نظم موجود جهان - که از صد سال، صدوپنجاه سال، دویست سال قبل قوت گرفته - اقتضائش همین بوده که دامن معنویت بتدریج از فضای زندگی انسان جمع بشود و این به ضرر بشریت تمام شده است. بشر به پیشرفت علمی نیازمند است، به اکتشافات پی‌درپی - همچنان که امروز بشر سرگرم این اکتشافات است و پیشرفتهای شگفت‌آوری دارد - نیازمند است؛ اما در کنار معنویت. خوب، نظام اسلامی هم، آن نظامی است که میخواهد این عنصر گمشده‌ی از تمدن و حیات بشری را به محیط زندگی بشر برگرداند. این در بیان، کار آسانی است؛ اما در عمل، هم کار مشکلی است، هم معارضان خیلی گردن کلفتی دارد. همه‌ی کسانی که منفعتشان در دنیا با ایجاد جنگ همراه است، با این مخالفند؛ همه‌ی کسانی که کار و بارشان در دنیا با ترویج سکس سکه میشود، با این مخالفند؛ همه‌ی کسانی که میخواهند سررشته‌ی ثروت‌های حیاتی ملت‌ها را به دست گیرند، با این مخالفند؛ همه‌ی کسانی که قدرت طلبی برایشان هدف اصلی است - در حکومت‌های کوچک و بزرگ دنیا - با این مخالفند. یعنی معارضان گردن کلفتی دارد. خوب، حالا این نظام در ایران آغاز به کار کرد؛ کلنگ‌ساز شده، بنایش به وجود آمد، تعالیم اولیه‌اش هم مثل مصالح ابتدایی کار، پای کار ریخته شد و به نحوی، سازندگی و بتایی آن هم شروع شد. اولاً یک نظام مثل یک بنا، مرده نیست؛ مثل یک موجود انسانی است؛ کمبودهایی پیدا میکند و میتواند این کمبودها را جبران کند؛ اگر غفلت کند، جبران نخواهد شد؛ اگر دقت کند و تلاش و سعی کند، زودتر و بهتر جبران خواهد شد؛ یعنی مثل یک موجود پویا و پیش‌رونده. یک نظام انسانی، این چنین است. بنابراین ما داریم با چالش پیش‌میرویم. و البته قضاوت من این است که ما به طور محسوسی هم در همان جهت اهداف و آرمان‌های اسلامی این نظام پیش‌رفته ایم. یکی از دلائلش این است که امروز نسل سوم و چهارم انقلاب، با آرمان‌های اسلامی آشنا و به آن علاقه‌مند است و گرایشش به مظاهر اسلامی زیاد است، و این آمادگی را دارد که اگر تجربه‌ای در کشور به وجود بیاید که کارهای دشوار را از این نسل بخواهد، آنها را انجام بدهد؛ مثل دوره‌ی جنگ تحمیلی. یعنی این طور نباشد که بعضی وضع کنونی ما را با دوران جنگ تحمیلی مقایسه کنند؛ دوران جنگ تحمیلی، یک آزمایش و کوره‌ی عملی بود؛ اگر در هر کشوری آن چنان وضع و آزمایشی به وجود آید، جان‌های تشنه و آماده‌ی به کار می‌آیند و استعدادها به فعلیت میرسند. امروز آن شرایط وجود ندارد؛ اما اگر به وجود آید، همان وضعیت پیش‌خواهد آمد؛ آن چیزی که من دارم مشاهده میکنم،



این است.

ما پیشرفت داشته ایم و در این ریزش و رویشی که نظام اسلامی دارد، مجموعاً رویش ما از ریزشمان بیشتر بوده است و پیش رفته ایم؛ علاوه بر اینکه در میدانهای گوناگون دیگر - میدانهای علمی و غیره که شماها گفتید و میدانید و بیان شد - پیشرفتهای زیادی داشته ایم. ولی همچنان کار در ابتدای خود قرار دارد؛ ما اول راهیم؛ ما ابتدای راهیم. اولاً باید نظام را از لحاظ مبانی معرفتی اش کامل کنیم. ثانیاً بنای نظام را باید بر اساس آن مبانی معرفتی کامل کنیم؛ یعنی نظام اسلامی، دولت اسلامی و کشور اسلامی، هر کدام مترتب بر همدیگر است؛ اینها همه یکسان و یک چیز نیستند. تا کشور، اسلامی بشود، ما خیلی کار داریم. تا مکارم اخلاق اسلامی و دانشگاه اسلامی - همین توقعاتی که شما دارید و آرزوهای بلندی که به حق در نسل جوان ما هست - تحقق پیدا کند، راه طولانی ای داریم. اینکه میگویم اول کار هستیم، یکی از نشانه هایش این است. و از طرف دیگر، این فکر، فکری نیست که در چهارچوب حصار جغرافیایی یک کشور بگنجد و بتواند بماند؛ این، به طور طبیعی باید انتشار پیدا بکند و عقبه ی عاطفی و فکری ملتها را برای خودش کسب کند. البته از اول انقلاب، موارد متعددی از این را ما دیده ایم و پیش آمده است؛ امروز هم همین است؛ منتها احتیاج دارد که این عقبه، هر چه بیشتر استمرار داشته باشد. برای اینکه ما بتوانیم به این آینده های مطلوب برسیم، احتیاج به نسل جوان باهمت پُرانگیزه ی مؤمن تلاشگر کاردان راه بلد داریم. یکی از شرایط اصلی اش مؤمن بودن و متقی بودن است؛ اینکه میگوییم تشکلهای اسلامی و محیطهای دانشجویی، معارف و معرفت اسلامی را در خودشان عمق ببخشند، برای این است که بتوانند این بار سنگین را بر دوش بگیرند و به منزل برسانند؛ والا نمیشود. این نکته و حرف اصلی ما با مجموعه های دانشجویی است.

البته این را هم ما اضافه بکنیم که مجموعه های دانشجویی - که پایه ی اسلامی و پایه ی معرفتی دارند - در داخل دانشگاه، کاری نکنند که رقابتهای آنها یا معارضه هایی که به نام رقابت انجام میگیرد، به تضعیف قوای این مجموعه های مؤمن بینجامد. این مجموعه ها همدیگر را حفظ کنند. من نمیگویم همه یک جور فکر کنند، همه یک جور سلیقه داشته باشند؛ نه ممکن است، نه لازم؛ لیکن از معارضه و تضعیف یکدیگر جداً خودداری کنند. امروز این برای شماها روشن است. ممکن است ده، پانزده سال قبل از این، برای محیط دانشجویی آن روز روشن نبود و باید مکرر گفته میشد و میگفتیم؛ اما امروز شما این را میدانید. دشمن به طور ویژه، بر روی جریانهای دانشجویی، سرمایه گذاری میکند؛ تا بتواند در محیطهای دانشجویی نفوذ و رخنه کند و برای خودشان سربازانی را در آنجا تدارک ببینند. این کار با نامهای مختلف دارد انجام میگیرد. امروز سرویسهای جاسوسی امریکا و اسرائیل حتی حرفی ندارند که به تشکلهایی در دانشگاههای ایران کمک مالی بکنند که این تشکل به حسب ظاهر، وابسته ی به توده ایهای سابقند. این در دانشگاههای شما وجود دارد. مجموعه ها و گروههای دانشجویی که تشکیل دهندگان و تغذیه کنندگان اینها همین توده ایهای چند سال قبل از این هستند - که یک مدتی هم به تلویزیون آمدند و توبه و انابه و گریه کردند و از بزرگان نظام طلب بخشش کردند - امروز بعد از آنکه اردوگاه مارکسیزم به کلی متلاشی شده و غلط بودن آن حرفها، ایده ها و فکرها، با آن فلسفه نماها، بر همه ظاهر و مبرهن شده و دیگر وجود این جریان چپ، معنایی ندارد؛ اما در عین حال می بینیم که اینها را نگه میدارند و حفظ میکنند؛ چون احتیاج دارند؛ یعنی برای معارضه ی با جریان دانشجویی اصیل و سالم - که همان جریان اسلامی و پایبند به معنویت و مفتخر به ایرانی بودن خود است - حاضرند زیر هر نامی، دانشجو را فعال کنند؛ زیر نام توده ای، سلطنت طلب و نامهای گوناگون. شماها باید متوجه باشید. مسئولیت شما سنگین است؛ هم باید درس را بخوانید، هم محیط سیاسی تان را بشناسید، هم روی محیط سیاسی اثر بگذارید و هم خودتان را از لحاظ فکری و روحی آماده کنید برای فردایی که بلاشک وزن این نظام متکی به معنویت - یعنی نظام جمهوری اسلامی - در معادلات جهانی بین المللی، ده برابر امروز خواهد شد.



مطمئن باشید که ما چنین روزی را در پیش داریم و شما جوانهای امروز، آن روز را خواهید دید. علی القاعده آن روز ماها نیستیم؛ اما شماها هستید و خواهید دید آن روزی را که وزن و ثقل و اهمیت جمهوری اسلامی در معادلات جهانی - چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ علمی و چه از لحاظ بیان افکار سازنده - ده برابر امروز است. باید خودتان را ان شاءالله برای آن روز آماده کنید.

از خداوند متعال مسئلت میکنیم که همه ی شماها را حفظ کند و ذخیره های ارزشمند آینده قرار بدهد و توفیق رشد روزافزون به همه ی شماها عنایت فرماید، و ان شاءالله خداوند شما را به پدر مادرهایتان ببخشد.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته